

# جامعۃ الاصلاح مراکز فکری و پژوهشی اسلام

اسلام‌گرایی اصلاح‌طلب در مراکش از درون انجمن اصلاح و توحید در سال ۱۹۹۶ جان تازه‌ای گرفته است. کسانی که این انجمن را اداره می‌کنند مانند همان اسلام‌گرایان دهه ۷۰ میلادی می‌باشند، همان‌های که در ایجاد اسلام رادیکال و ضدکمونیست شریک بوده‌اند. بعد از تحولات سیاسی به وجود آمده و تغییر ایدئولوژیک که امکان مشارکت سیاسی را برای شرکت در انتخابات ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷ به آنها داد، دوباره دور هم جمع شده‌اند، همچون جنبش (العدل و الاحسان). این اسلام‌گرایان متشکل از افراد تحصیل‌کرده‌ای هستند که عقاید متفاوت دارند و خواهان حضور آشکار در جامعه می‌باشند و به هیچ وجه جنبه مخفی ندارند. نگاه به گذشته این جنبش می‌تواند روشنگر جنبش اسلام‌گرایی در مراکش باشد. تاریخ گذشته آن‌ها حاوی مطالب سیاسی و عقیدتی بسیار است از جمله: تحقیق در مورد گذار از دین به سیاست، چگونگی شکل‌گیری روشنفکر دینی غیر روحانی و سنتی که گفتار مذهبی دارد، و غیره.

گروه العدل و الحسان جمعی منسجم است که رهبری کاریزماتیک آن را هدایت می‌کند ولی گروه الاصلاح و التجدید که در سال ۱۹۸۲ به وجود آمد متشکل از شخصیت‌های مختلف و قوی است. خطوط عقیدتی این انجمن، میانه‌روی متمایل به دخالت در حوزه سیاست است و هویت آن

متأثر از مسیری است که طی نموده و رهبرانی که داشته است. این رهبران اکثراً کسانی بوده‌اند که از اولین گروه اسلامی مراکش یعنی جنبش جوانان اسلامی "الشیبب و الاسلامیه" به آن پیوسته‌اند. اعضای این انجمن همگی تجربهٔ سیاسی کم و بیش موفق‌تری داشته‌اند. از دوم ژوئن ۱۹۹۶ اعضای انجمن اصلاح و التجدید همگی به حزب دکتر الاخطیب که یک جنبش دمکراتیک مردمی و قانون‌مدار را ریاست می‌کند پیوستند؛ سپس وارد گروه "انجمن آیندهٔ اسلام" شده و در آخر دسته‌جمعی انجمن "اصلاح و توحید" را تشکیل دادند.

### نقطهٔ آغاز اسلام‌گرایی اصلاح‌طلب، الإصلاح

در سال ۱۹۶۹ که عبدالکریم موت<sup>۱</sup> اولین جمع اسلامی شمال آفریقا را پایه گذاشت رهبران کنونی انجمن اصلاح و توحید همگی دانش‌آموزان ۱۶-۱۵ ساله ای بودند که به وسیلهٔ مربیان مذهبی تربیت می‌شدند. شش سال بعد انجمن جوانان اسلامی، "الشیبب‌الاسلامی" که بعضی از اعضای آن در قتل عمرین جلون شرکت داشته‌اند، تعطیل گردید. این انجمن مدت چهار سال دوام آورده بود. اعضای آن پس از این واقعه سردرگم و بدون رهبری، تودهٔ دانشجویانی را تشکیل می‌دادند که در دانشگاه‌هایی که در دست گروه‌های چپ‌گرا بود، تحصیل می‌کردند. امروز دوستان "باها" که اکنون سردبیر نشریهٔ الرأی یعنی هفته‌نامه رسمی گروه است به یاد می‌آورد که در آن سالها در دانشگاه‌ها این اسلام‌گرایان را به عنوان جمعی "ریشوی ناشناخته"<sup>۲</sup> خطاب می‌کردند و به علت ظاهرشان، یعنی داشتن محاسن مورد آزار و اذیت بقیه فرار می‌گرفتند. البته چندی بعد یعنی در سال ۱۹۷۷ این دستهٔ دانشجویان اسلامی توانستند جایگاه خود را پیدا کرده، باعث تحولاتی در جهت اسلامی کردن دانشگاه‌ها شوند. ده سال بعد انجمن ملی دانشجویان مراکش (UNEM) تحت سیطره اسلامی‌ها قرار گرفت.

### عبدالکریم موت، سرآغاز راه

جنبش اسلامی مراکش از ابتدا با محیط آموزش و پرورش قرابت داشته است. عبدالکریم موت بازرس وزارت آموزش و پرورش با دوتن از کسانی که در مبارزات استقلال‌طلبانه شرکت داشتند نزدیکی داشت؛ او در ۱۶ سالگی به بجهٔ مقاومت به رهبری شهید هومان فتوافی<sup>۳</sup> پیوست و هم‌رزم مختارالسوسی<sup>۴</sup> شد. حملهٔ به یک معلم کمونیست در سال ۱۹۷۲ و قتل عمرین جلون که از رهبران سندیکایی بود باعث شهرت عبدالکریم موت گردید. این دو واقعه نشان داد که یگ گروه بسیار منسجم و شبه‌نظامی اسلامی وجود دارد که از بین دانش‌آموزان نیرو جذب می‌کند. محاکمهٔ ماجرای ترور بن‌جلون بدون حضور عبدالکریم موت که گفته می‌شد رهبری این گروه را در دست

دارد و به عربستان گریخته است، صورت گرفت. البته این محاکمه نشان داد که جنبش پاره پاره گشته و ازدرون آن گروهی تندرو به نام "الجهاد" بیرون آمده است. این گروه بعدها در فرانسه نشریاتی از جمله *المجاهدين و الثريا* را منتشر می‌کرد. گروه الشیبیب والاسلامیه همیشه ارتباط خود با گروه الجهاد را نفی می‌کرد و عضویت انومانی<sup>۲</sup> که مشارکتش در قتل بن‌جلون آشکار بود را در گروه خود کذب محض می‌دانست. از گروه الجهاد تا مدتی خبری نبود فقط در سال ۱۹۹۴ که بمب‌گذاری در هتل اطلس باعث کشته شدن چند گردشگر اسپانیولی شد، گفته شد که یکی از این بمب‌گذاران از هواداران این گروه بوده است.

اعلان ممنوعیت الشیبیب الاسلامیه در سال ۱۹۷۶ افراد این گروه را مجبور کرد که به فعالیت‌های مخفی روی آورند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران این آگاهی را پدید آورد که می‌توان انقلابی اسلامی انجام داد. این تحول تمام داده‌های مسئله را تغییر می‌داد. جنبش الشیبیب الاسلامیه در این دوره به سه گروه تقسیم شد: گروه تندرو که به الجهاد نزدیک بودند. گروه دوم به عبدالکریم موت وفادار بودند. گروه سوم که بی‌طرف بودند. این دو دسته آخر بعداً با هم متحد شده و گروه *الاصلاح و التجدید* را تشکیل دادند.

### تولد الجماعه الاسلامیه

این انجمن رسماً در سال‌های ۸۲-۱۹۸۱<sup>۳</sup> به وسیله اعضای سابق گروه الشیبیب والاسلامیه که از طرفداران عبدالکریم موت بودند تشکیل شد. در بین آن‌ها تعداد زیادی مدرس و معلم وجود داشت، معروف‌ترین این اعضای گروه جدیدالتأسیس یاسین، بن‌قیران و باها بودند که از همان دانشجویان "ریشوی" سال‌های هفتاد محسوب شده و در این دوران حدود چهل سال داشتند. از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ این جمعیت هفته‌نامه‌ای به نام اصلاح، را منتشر کرد که در همین سال توقیف گردید. اکنون هم هفته‌نامه دیگری به نام "الرأی" را منتشر می‌کند. این جمعیت خواهان یک برنامه همه‌گیر اسلامی برای امت اسلام می‌باشد. یاسین در سال ۱۹۷۹ نشریه‌ای به نام "جماعت" منتشر می‌کرد که حتی در آن زمان نیز نمایانگر این خواست بود. این گروه همیشه خواسته‌است نشان دهد که هیچ قصد برتری و قیمومیت بر دیگر گروه‌های اسلامی را ندارد ماهیت سیاسی این گروه، آن را به مشارکت سیاسی و نزدیکی به حکومت سوق می‌دهد. موقعیت مبهم عقیدتی و برخورداری از یک فرهنگ سیاسی متمایل به تعامل آن را ابزاری برای بازی‌های سیاسی کرده است. این مواضع انجمن را در موقعیت ضعیفی قرار داده و بعضی‌ها از جمله اعضای سابق انجمن الشیبیب والاسلامیه آن را همکار حکومت می‌نامند. استراتژی رهبران الاجماع الاسلامیه بر چند اصل ساده استوار است: ۱- باید تمام فضای ممکن را در زمینه اسلام‌گرایی با اظهار نظر در تمام موارد مربوط به سیاست داخلی و

خارجی پر کرد. ۲- باید به حکومت نشان داد که تنها طرف مذاکره کننده اسلامی این گروه است. شرکت این گروه در همایش‌های دانشگاهی راجع به بیداری اسلام که به وسیله دولت صورت می‌گیرد، نشان‌دهنده این خواست است. در این مورد رئیس سابق این گروه می‌گوید: "بیهوده است که همیشه به مقابله و مخالفت آشتی‌ناپذیر با حکومت ادامه داد، باید آشکارا تبلیغ اسلام را به عنوان نوعی دیدگاه سیاسی انجام داد." برای مسئولین الجمع‌الاسلامیه در این سی سال اخیر مراکش دو دوره اسلام‌گرایی را پشت سر گذاشته است، یکی از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۴ که می‌توان به آن عنوان انقلابی‌گری داد و دیگر دوران دوم است که می‌شود آن را اصلاح‌طلبی نامید. در دوره اول اتخاذ اهدافی چون تغییر رادیکال و نوعی تشکیلات مخفی را ایجاب می‌کرد، زیرا عقیده سیاسی متأثر از عقاید اخوان‌المسلمین و ادبیات زندان و زجر بود. دوره دوم فعالیت، خواسته‌های انقلابی برای خود قائل نیست، تربیت فردی و قبول همنشینی با حکومت و شرکت در انجمن‌های صنفی بیشتر مد نظر است. البته این روش عمل مسائلی را پیش می‌آورد، به طور مثال حکومت الجمع‌الاسلامیه را به رسمیت نمی‌شناسد و این گروه مورد مخالفت احزاب رسمی قرار دارد و به خصوص مورد حمله دیگر گروه‌های اسلامی است.

### از الجماعت‌الاصلاح تا اصلاحات

تمام فعالیت و هدف این گروه بر حول خواست حضور در صحنه سیاسی می‌گردد. اعضای این گروه به هر طریقی مقاصد ارزشی خود را به بحث می‌گذارند و عمومی می‌کنند، حتی زمانی که سلطان حسن دوم اسلام‌گرایی را به رسمیت نمی‌شناخت، ناامید نشده و به فعالیت خود در جهت اصلاح‌طلبی ادامه دادند. این جمع همیشه خواسته است که در بُعد عقیدتی و سیاسی روشی مصالحه‌گر را تبلیغ کند، هر چند که در بعضی موارد با مشکلاتی برخورد کرده است. این مشکلات عبارتند از: بنیان‌های اساسی و فلسفی دموکراسی، مسئله زنان، هویت فرد و غیره. این خواست در اعلامیه‌ای که گروه به مناسبت تغییر نام خود داد به نحوی آشکار بیان شد. در آن بیانیه آمده بود: "ما اسم خود را از جماعت‌الاسلامیه به اسم کنونی تغییر دادیم زیرا که نمی‌خواستیم تصور شود خود را تنها نماینده اسلامیت می‌دانیم، ما نه ولی اسلام خواهیم هستیم و نه تنها سخنگوی آن و از هرگونه همکاری با هر گروهی که خواهان تعالی اسلام است مضایقه نداریم، ما خواهان اصلاح معضلات و نوگرایی هستیم. یاسین رئیس سابق انجمن در تعریفی که از مواضع آن می‌دهد می‌گوید<sup>۳</sup> اصلاح و احیا دو مفهومی هستند که از قرآن و سنت پیامبر گرفته شده است. اصلاح در مرکز تعلیمات پیامبر و پیروان او بوده است. این اصلاح با مفهومی که سیاستمداران از آن دارند فرق می‌کند.<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۹۶ برای تغییر در قانون اساسی از جمله ایجاد مجلس اعلا رفراندومی در مراکش صورت گرفت. گروه الاصلاح و التجديد به این مناسبت باز نام خود را تغییر داد و علت آن را اتحاد با گروه دیگری از منشعبین الشیبیب و الاسلامیه ذکر کرد. این اتحاد که به دنبال وعده حکومت برای مشارکت در صحنه سیاسی صورت گرفت باعث گردید که این مجموعه جدید و گسترده‌ای از روشنفکران اسلامی میانه‌رو در یک جا جمع شوند.

در دوم ژوئن ۱۹۹۶ "جنبش مردمی-دمکراتیک قانونمدار" وحدت خود را با گروه الاصلاح و التجديد اعلام کرد.<sup>۱۱</sup> انتخاب سال ۱۹۹۶ که به گفته حزب کمونیست مراکش<sup>۱۲</sup>، زمان وارد شدن به دوره انتخاباتی و از اهمیت بسیاری برخوردار بود، اهمیت بیشتری به این اعلان می‌دهد. این واقعه نشان که اسلام‌گرایان به خوبی با مسائل سیاسی آشنا بوده و برای ابراز وجود در این صحنه از توانایی لازم برخوردارند. در واقع این عمل نوعی شناسایی جنبش اسلامی مراکش از طرف حکومت و دیگر جریان‌ها موجود نیز محسوب می‌شد. و این امکان را ایجاد می‌کرد که این جریان جدید سیاسی تعدادی از طرفداران احزاب کلاسیک صحنه سیاسی مراکش را به طرف خود جلب کند.<sup>۱۳</sup> این کار باعث شد که هوادارن جنبش مردمی محجوبی اهردان<sup>۱۴</sup> به این جمع بپیوندند. می‌توان نتیجه گرفت که بعد از پشت سر گذاشتن دوره‌ای از دشواری‌ها گروه الاصلاح توانست به خوبی وارد حوزه سیاست



گردد. البته انتخابات ۱۹۹۷ اختلاف بین این دو گروه را نمایان کرد و شاید بتوان گفت که در این تاریخ شکل گیری جریانی اسلام گرا و میانه رو هنوز کامل نشده بود. در واقع بعد از اتحاد گروه دکتر الخطیب و جنبش الاصلاح و التجدید تمایل اسلام گرایان به عضویت در این گروه جدید چنان زیاده بود که مسئولین گروه الخطیب را به وحشت انداخت. آن‌ها خود را در مجموعه‌ای که تحت سیطره اسلام گرایان باشند می‌دیدند، مسئله‌ای که برای آنان قابل قبول نبود.

### کوشش برای گذار به حوزه سیاست

در سال ۱۹۸۹ گروه الجماعت قصد داشت حزبی به نام تجدید الوطن<sup>۱۵</sup> را ایجاد کند. این حزب می‌بایست مجمع گسترده‌ای باشد که تمام شهروندان بتوانند در آن وارد شوند. گروه الجماعت قصد داشت نشان دهد که همچون دیگر گروهی سیاسی در صحنه سیاست است، ولی بقیه چنین تمایلی را نشان نمی‌دادند. این گروه تا حدی پیش رفت که خواستار رأی مثبت به رفراندوم شد. انتخابات ۱۹۹۲ این امکان را برای الجماعت ایجاد کرد که خواستار قانونی شدن حزبی به نام حزب (احیای ملی) PRN<sup>۱۶</sup> شود ولی وزارت کشور این تقاضا را رد نمود. این رد تقاضا با جوابیه‌ای کتبی همراه بود که نشان می‌داد دولت وجود اسلام گرایان را به رسمیت شناخته است. به دنبال رد تقاضای قانونی شدن<sup>۱۷</sup>، گروه الاصلاح و التجدید که متشکل از اساتید دانشگاه و دبیرستان بود دوباره روی به دکتر الخطیب آورد که به گفته آنان مسلمانی صالح بود. دکتر الخطیب قبول کرد که آنان را در گروه خود جای دهد. این نزدیکی مدت‌زمانی کوتاه بیشتر دوام نیاورد زیرا برای آنان امکان ابراز وجود کامل ممکن نبود. در ادامه گروه اصلاح و التجدید صحبت از رأی مثبت به رفراندوم کرد اما به علت آنکه کاندیداهای آن رد صلاحیت شده بودند، تصمیم بر عدم شرکت در انتخابات را گرفت زیرا نمی‌خواست خود را در معرض خطر قرار دهد.

### همبستگی الاصلاح و التجدید و جنبش مردمی - دموکراتیک قانونگرا

در سال ۱۹۹۴ ریاست بن‌قیران به وسیله دیگر اسلام گرایان به زیر سؤال رفت. گفته می‌شد که این گروه ساخته و پرداخته وزارت کشور است، بن‌قیران در مقابل این اتهام ادعای واقع‌گرا بودن را داشت. او در خفا سعی داشت دوباره برای نزدیکی با دکتر الخطیب اقدام کند. در این بین عده‌ای که به این گروه نزدیک بودند انجمنی به نام "المستقبل الاسلامیه" تشکیل دادند بنیان‌گذاران این انجمن بیشتر اساتید و معلمین بودند و خود را روشنفکران پیشرو اسلامی می‌دانستند. در سال ۱۹۹۶ به علت آن که سلطان حسن دوم اعلام کرد که هر گروهی که مسئله‌ساز نباشد اجازه فعالیت سیاسی دارد اتحاد دو گروه فوق‌الذکر به سرعت انجام شد. برعکس گروه یاسین، حزب تازه تشکیل شده

وفاداری خود را نسبت به حکومت اعلام کرد و بر آن شد بعضی از نظریات خود را که می‌توانست مسئله‌ساز باشد، توجیه کند. در روز اعلام اتحاد با گروه دکترالخطیب یکی از رهبران این گروه اهداف آن را چنین اعلام نمود: "مقصود، به دست آوردن حق تشکیل حزبی دمکرات اسلامی مشابه احزاب دمکرات مسیحی اروپاست که بتواند در حالی که حزبی فراگیر نیست بر روی مسائل سیاسی همچون احزاب مذهبی اسرائیل، تأثیر بگذارد."

### حد و حدود اصلاح‌گرایی عقیدتی نزد اسلام‌گرایان اصلاح و التجدید

نظریاتی که این گروه اصلاح‌طلب سعی در ابراز و عمومی کردن آن دارد همگی با اهداف استراتژیک آن همسو می‌باشد. آنها سعی دارند تمام نظام عقیدتی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که با هدف‌هایشان همخوانی داشته باشد. این موضع‌گیری در حیطة سیاست بدون تحول عقیدتی در بعضی موارد ممکن نیست. باید در بعضی از نظرات از جمله در مورد حقانیت اعمال خشونت برای تغییر سیاسی و تطابق دموکراسی و اسلام یا مسأله زن تجدید نظر نمود.

### اعلام موضع در برابر خشونت

در کنگره اتحاد با جنبش مردمی دمکراتیک-قانونگرا بن‌قیران اعلام نمود که هرگونه اعمال خشونت در صحنه سیاسی حتی اگر برای دفاع از خود باشد مشروع نیست، او گفت: "اگر به ما حمله شود ما تحمل می‌کنیم ولی مقابله نمی‌کنیم"<sup>۱۸</sup> در اعلامیه پایانی مجمع عمومی مورخ ۷ اوت ۱۹۹۰، در بندی آمده بود که این انجمن خود را برای انجام تبلیغ از طریق مسالمت‌آمیز و گفتگو موظف می‌داند و از هرگونه خشونت فیزیکی و اخلاقی پرهیز می‌کند. آنها این هدف خود را نه تنها به صورت سیاسی بلکه با دلایل فلسفی و فقهی نیز توضیح داده و عنوان می‌کردند بهترین سلاح تلاش، عقیده و علم است. این اسلام‌گرایان در واقع با دوران جوانی خود که اعتقاد به عملیات مخفی و خشونت داشتند گسست کرده و حتی در همایش‌های خود برای جوانان از نمایش ورزش‌های رزمی اجتناب می‌کنند. اما در واقعیت، عمل به این نظر بسیار دشوار است. آنها در طول سالهای ۹۴-۱۹۹۲ با دانشجویان چپ‌گرا مجبور به مقابله فیزیکی بودند ولیکن همیشه خشونتگرایی را تقیح می‌کردند.

### دفاع از دموکراسی

اسلام‌گرایان انجمن اصلاح در موضوع دموکراسی و تکثرگرایی تحولات مهمی را پشت سر گذاشته‌اند. تقییر مداوم نام و خواست حضور و تأثیرگذاری در انتخابات (۱۹۹۶ و ۱۹۹۲) راه

نظریه‌پردازان این گروه را برای دستیابی به عقاید جدید باز کرده است. این نظریه‌پردازان اسلام‌گرا هیچ‌گاه دموکراسی را همچون علی‌الحجج<sup>۱۱</sup> تکفیر ننموده و همیشه خواهان دست یافتن به موضعی میانی بین عملگرایی و نظریات عقیدتی خود که با مبانی فلسفی دموکراسی در تضاد است، می‌باشند. به طور مثال آن‌ها همیشه در توضیح تقارب حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی مشکل دارند. بن‌قیران در این مورد می‌گوید جنبش‌های اسلام‌گرا برای دخالت در حیطه سیاست باید با گذشته خود گسست کرده و با مفاهیم جدید وارد این گود شوند. نمی‌توان دموکراسی را به یک باره قبول یا رد کرد، دموکراسی دارای انعطاف بسیار است و می‌توان خواست‌های خود را تا حدی در آن یافت. حداقل به دست آمده از نظمی دموکراتیک، انتخابات آزاد، تکثرگرایی، نظام همه‌پرسی دائم و پایدار و اطمینان از وجود آزادی‌ها می‌باشد.<sup>۱۲</sup>

در اظهارنظرها و اعلامیه‌های جنبش مردمی دموکراتیک قانونگرایی دکتر الخطیب که تحت تأثیر اسلام‌گرایان است، این تفکر به خوبی به چشم می‌خورد. فی‌المثل در یکی از این بیانیه‌ها آمده است: "وقتی که ما می‌گوییم به ارزش‌های دموکراتیک معتقدیم، به این معنی است که ارزش‌های فرهنگی و تمدنی خود را حفظ می‌نمائیم. مبانی فلسفی دموکراسی غربی مادی‌گرا است و می‌خواهد انسان را محور قرار داده اختیارات نامحدود به او بدهد. این دیدگاه به علت افول قدرت کلیسا به وجود آمده است و مورد توجه ما نمی‌باشد، آن چیزی که ما در نظم دموکراتیک به آن پایبند می‌باشیم همزیستی تفکرات و عقاید متفاوت در کنار هم است. تفکر اسلامی می‌تواند مقاصد خود را، بدون آن که مخالف قوانین شرع و ارزش‌های دموکراتیک باشد در آن بیابد."<sup>۱۳</sup>

این جنبش در طول حیات خود به خوبی نشان داده است که به ارزش‌های دموکراتیک پایبند است و هرزمان که امکان داشته این را نمایان نموده است. از آن جهت با رقبای اسلام‌گرای خود گروه العدل و الاحسان که اعتقاد به "امارت اسلامی" دارد متفاوت می‌باشد.

### حد و حدود تعامل: مسأله زنان

هر چند موضع گروه اصلاح در مورد مسائل سیاسی نوگرا و متمایل به تعامل است در مورد مسائل مربوط به خانواده و زن، سنتی و محافظه‌کار می‌باشد. مسأله از آنجا آغاز گشت که انجمن "اتحاد عمل زنان" UAF که در سال ۱۹۸۷ تأسیس شده و به سازمان دموکراتیک مردمی OADP<sup>۱۴</sup> نزدیک می‌باشد، در ۷ مارس ۱۹۹۲ یعنی در آستانه روز جهانی زن در اعلامیه‌ای خواستار تغییر جایگاه زن در قانون شد.<sup>۱۵</sup> این سازمان بر این اعتقاد بود که یک دموکراسی واقعی بدون برابری حقوق تمام شهروندان ممکن نمی‌باشد. این نظریه با قانون اساسی مراکش که بیش از ۳۰ سال از قدمت آن می‌گذشت در تعارض بود از این جهت می‌بایست در قوانین مربوطه



بازبینی‌هایی صورت بگیرد. از جمله "اتحاد عمل زنان" خواستار تغییر در قوانین ازدواج (چندهمسری ولایت دختر) یا قوانین مربوط به ارث می‌باشد و در این جهت سازمان مذکور مشغول به جمع‌آوری امضا شد. این طریق جدید غیرمتداول ابزار حضور، جامعه سیاسی را به تعجب واداشت و در نهایت سلطان حسن دوم در سخنرانی‌ای اعلام نمود که حل این مسأله در حیطة اختیارات اوست.<sup>۲۴</sup> او با تشکیل کمیسیونی<sup>۲۵</sup> اصلاحاتی را انجام داد که هیچ یک از طرفین را راضی نکرد.<sup>۲۶</sup> عکس‌العمل گروه العدل و الاحسان به آن منحصر شد که با دفاع از رساله دکترای نفر دوم این انجمن بر ضد این مسئله واکنش نشان داد.<sup>۲۷</sup> اسلام‌گرایان گروه اصلاح والتجدید فوراً عکس‌العمل نشان دادند. حرکت این گروه به شکلی حاد و به نام جهاد در جهت حفظ اسلام در مراکش صورت گرفت. بن‌قیران از علما خواست که به وظیفه خود در مورد اجرای قوانین شرع عمل کنند.<sup>۲۸</sup> حبیب تجکانی استاد حقوق اسلامی و عضو "انجمن آینده اسلام" شدیداً به انجمن "اتحاد عمل زنان" حمله نمود و آنان را تکفیر کرد. برای او امضای طومار این انجمن نوعی عملی الحادی تلقی شده و معتقد بود: "القای قانونی که بر مبنای قرآن و گفته‌های پیامبر است خود یک عمل الحادی است".

اسلام‌گرایان گروه اصلاح به مدت بیست سال مشغول فعالیت و آزمایش انواع طرق عملیات سیاسی-دینی می‌باشند، تحولات اخیر جنبش اصلاح‌گرا موجب شده است که خواست مماشات با قدرت حاکمه تقویت شود. تحلیل شرایط سیاسی در ایران -انتخابات ریاست‌جمهوری- و ترکیه در نظریات آنان جای بخصوصی یافته است. به نظر می‌رسد که این گروه جای خود را در صحنه سیاسی مراکش به دست آورده است. علمای دینی و سیاستمداران کم و بیش به نظریات آنان توجه دارند. با پیش‌آمد انتخابات مجلس در نوامبر ۱۹۹۷ گروه "جنبش مردمی دموکراتیک قانونگرا" و "اصلاح" خواهان شرکت رسمی در آن شدند البته برای تدارک این انتخابات دعوت نشدند ولی در نهایت توانستند از کمک مالی دولت برخوردار شوند. ترکیب کاندیداهای معرفی شده از طرف این گروه به خوبی نشان می‌دهد که وابستگی‌های اجتماعی آنان با سایر گروه‌های اپوزیسیون آنچنان فرقی ندارد. این تشکل در واقع اقشار اجتماعی بخصوصی را که نماینده اسلام‌گرایی صرف باشند نمایندگی نمی‌کنند. بیشتر اعضای آن را معلمین یا صاحبان مشاغل آزاد تشکیل می‌دهند. این گروه کاندیداهای خود را در حوزه‌های انتخاباتی شهری معرفی می‌کند و ویژگی آنان حرفه‌ای بودن در زمینه سیاسی است.

### مبارزات انتخاباتی، وعظ و خطابه یا سخنرانی سیاسی

برای تمام کاندیداهای جنبش اصلاح و التجدید دوران قبل از انتخابات اهمیت بسیار زیادی دارد. مسأله مهم شرکت رسمی در این انتخابات بود. اگر با دقت مبارزات انتخاباتی این گروه را

بررسی کنیم متوجه می‌شویم که اغلب در حوزه‌هایی نام‌نویسی کرده بودند که در گذشته در آن‌جا به اشکال مختلف از جمله به عنوان پیش‌نماز یا شرکت در امور خیریه حضور داشته‌اند. البته لازم به ذکر است که این کاندیداها به هیچ وجه از مساجد برای محل تبلیغ استفاده نکرده‌اند. برنامه این حزب بسیار کامل بود و تمامی روزنامه‌های نزدیک به جنبش آن را انتشار دادند. هیچ‌گاه در این برنامه از قوانین شرع صحبتی نشد. لیکن در آن ذکر شده بود که از فروش مشروبات الکلی در اماکن عمومی جلوگیری خواهد شد. در دوران مبارزان انتخاباتی کاندیداها فقط بر روی مسائل اخلاقی پافشاری کرده و ضدیت خود را با فساد و ارتشا عنوان می‌کردند. این کاندیداها دستور حزبی را که مبتنی بر پنج اصل، یعنی شخصی نکردن سخنرانی، صداقت، انسجام در گفتار و سخنان مستند بود رعایت کردند. شعارهای دینی و مذهبی بیش از حد معمول عنوان نشد و سعی شد که بیشتر بر نقد برنامه‌های دیگر کاندیداها تأکید شود.

### نتایج انتخابات ۱۹۹۷

در این انتخابات نه نفر از کاندیداهای اسلام‌گرایان انتخاب شدند. پس از اعلام نتایج بن‌قیران در برابر رسانه‌های گروهی خارجی نمی‌توانست خوشحالی و شغف خود را پنهان کند. البته مقامات رسمی دولت هم از این موضوع راضی بودند. این گروه مدعی بود در یازده حوزه انتخاباتی رأی آورده ولی در دو حوزه آراء آن‌ها را به نوعی مخدوش کرده‌اند تا نتوانند یک گروه پارلمانی تشکیل دهند، لیکن در مجموع از برگزاری درست این انتخابات صحبت می‌کردند.

باید اضافه کرد که در این انتخابات رهبران شناخته شده جنبش خود را یا معرفی نکردند یا آن‌که موفق به کسب رأی نشدند، ولی آنانی که انتخاب شدند با رأی بالایی این موفقیت را به دست آوردند.

این وقایع نشان داد که اسلام‌گرایان میانه‌رو در جامعه سیاسی مراکش ادغام شده‌اند ولیکن پرونده اسلام‌گرایی بسته نشده است. اینها می‌خواهند نقش مخالفان سازنده را بازی کنند و در مورد موضوعاتی همچون مسائل زنان یا تعلیم و تربیت از خود حساسیت به خرج دهند.

سوءظن‌های بسیاری در آینده وجود خواهد داشت، بعضی مسائل نمادین می‌تواند باعث بروز اشکال شود. این نقاط افتراق در واقع شکل‌دهنده صحنه سیاسی و تسوازن قوای در آینده مراکش خواهد بود.

۱- جنبش مردمی دموکراتیک قانونگرا (MPDC) به دنبال انشعاب در "جنبش مردمی" در سال ۱۹۶۷ ایجاد شد. دبیرکل آن دکتر الخطیب می‌باشد که از چهره‌های شناخته شده ارتش آزادیبخش و از نزدیکان دربار است. او از چهره‌های اصلی اپوزیسیون است و با تمامی جامعه سیاسی در ارتباط می‌باشد.  
 ۲- عبدالکریم موت بازرس آموزش و پرورش و از نزدیکان جنبش سندیکایی در سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی است. هم‌اکنون به نوعی رهبر فکری گروه الشیبب‌والاسلامیه است و در لیبی زندگی می‌کند.

3- Objet barbu non identifié.

- ۴- هارون فاروقی و مختار السوسی که به ترتیب از جنبش مقاومت و از علمای دینی می‌باشند.  
 ۵- جنبش مقاومت و شهدای استقلال، انتشارات کمیساریای مقاومت و ارتش آزادیبخش، ۱۹۸۵.  
 ۶- حسن رشیق: متفکرین معاصر مغرب، کازابلانکا، ۱۹۹۴.  
 ۷- نشریه مراکنشی جامعه‌شناسی ۱۹۹۵. revue marocaine de sociologie politique.  
 ۸- همان.

9- Al-Forouqau, 6 Juin, 1985

- ۱۰- اعلامیه جنبش اصلاح و احیا. نشریه الرأی ۱۹۹۲/۲/۱۰.  
 ۱۱- نشریه الرأی، ۱۹۹۶/۶/۴.  
 ۱۲- نشریه المنعطف، ۱۹۹۶/۵/۱.

13- vie . econimique, 20/7/1995.

۱۴- گروه پارلمانی جنبش ملی-مردمی با ۱۷ نماینده پا را فراتر گذاشته و حزبی تشکیل داد.  
 quotidien du maroc 13/5/1996

- ۱۵- السهوه، ۱۹۹۲/۶/۱۱.  
 ۱۶- الرأی، ۱۹۹۲/۶/۱.  
 ۱۷- همان.  
 ۱۸- بن‌قیران، الرأی.

19- L'Algerie par ses islamistes: Kartela , paris < 1991.

- ۲۰- الرأی ، نوامبر ۱۹۹۲  
 ۲۱- همان  
 ۲۲- زکیه داوود. Feminisme et politique کازابلانکا ۱۹۹۳ eddif.

23- Magreb-Machreq, Sep 1994.

- ۲۴- همان.  
 ۲۵- لیست کمیسیون سلطنتی، همان.

26-Dahit, sep 93.

- ۲۷- محمد بشیری، رساله دکترای دانشگاه کازابلانکا  
 ۲۸- الرأی، ۱۹۹۲/۴/۲۰.

